

عرض کردیم اولین حق از حقوق نماز این است که انسان حقیقت نماز را بشناسد. معرفت نماز و پی بردن به راز و رمز نماز، اولین حقی است که نماز بر گردن ما دارد. ما تا جایی که می‌توانیم باید نماز را بشناسیم و حقیقت آن را کشف کنیم.

جلسه گذشته عرض کردیم نماز یک ظاهری دارد و یک باطنی. یک توضیحی درباره ظاهر و باطن نماز دادیم. گفتیم برای نماز در عبارات و کلمات اوصافی ذکر شده است. که به چند عنوان و وصف که در کلمات بزرگانی مثل امام خمینی (رحمة الله علیه) درباره نماز ذکر شده، اشاره می‌کنم. این تعبیر بسیار زیبا هستند. برای نماز عنوان عمود به کار رفته است. اینکه نماز نسخه جامعه الهی برای انسان است، یک نسخه جامعه و کامل، مثل دکتری که برای سلامتی یک شخص یک نسخه کامل بنویسد که اگر به آن نسخه عمل کند، هیچ‌گاه مریض نمی‌شود. نماز یک نسخه‌ای است کامل و دربر گیرنده هر چیزی که می‌تواند انسان را به سعادت برساند. این تعبیر ایشان است که نماز در بین عبادات و مناسک الهی جامعیت و عمودیت دارد.

اینکه نسخه جامعه است یعنی نسخه‌ای است که پروردگار برای رهایی جان قدسی انسان از قفس طبیعت تجویز کرده است و این نشان می‌دهد که حقیقت این عبادت الهی و نسخه جامعه که برای خلاصی این طایفه‌های قدسی از قفس تنگنای طبیعت به کشف تام محمدی ترتیب داده شده و به قلب مقدسشان نازل گردیده است. یا می‌گوید: نماز یکی از ترکیبات قدسیه است که به ید جمال و ید جلال الهی فراهم شده است.

بالا تر از اینها، این تعبیر را به کار بردند که توحید به معنای واقعی آن که مقصد اصلی دعوت پیامبران است، در نماز محقق می‌شود. یک روایتی از پیامبر وارد شده است که همین معنا را می‌رساند: «لأن الصلوة تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر و تمجید و تقدیس و قول و دعوة». نماز هم تسبیح است، هم تهلیل، هم ستایش، هم تکبیر، هم تقدیس، هم قول، هم دعوت و خواستن است. چیز کمی نیست. نماز وسیله و مرکب سیر الهی و تعالی انسان است.

این روایت را نقل کردم می‌فرماید: «الصلوة عمود دینکم فان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها». این یعنی چه؟ گاهی یک برداشت ظاهری از این روایت می‌کنند. می‌گویند اگر این نماز قبول شد و خدا پذیرفت، همه اعمال دیگر هم پذیرفته می‌شود؛ «وان ردت رد ما سواها» این معنایش این نیست که آنجا یک دفتری هست و می‌گویند: اگر این نمازش صحیح بود و اجزاء و شرایط داشت قبول می‌شود و بقیه هم کذلک، نه، این روایت می‌خواهد بگوید نماز که درست شد، بقیه اعمال هم درست می‌شود. عبارتی که امام خمینی (رحمة الله علیه) یا مضمونی که ایشان در این رابطه دارد، این است که در واقع نماز واقعی یک ارتباطی با انسانیت دارد. نماز واقعی انسانیت انسان را شکوفا می‌کند. نماز یک اجزایی دارد که اینها از نظر فقهی می‌تواند متصف به وصف صحت شود. یعنی قیام و همه اجزاء و شرایط، اگر صورت بگیرد، این نماز از نظر فقهی می‌شود صحیح اما آن نمازی که انسان را به اوج و معراج ببرد، آن نمازی که کمال انسانیت را در انسان شکوفا بکند، آن نماز آنچنان در انسان اثر می‌گذارد که سایر اعمال را نه تنها انجام می‌دهد، بلکه به بهترین وجه انجام می‌دهد، این که فرمودند: نماز اگر قبول شود، بقیه اعمال قبول می‌شود، نمی‌خواهد صرف یک قرارداد را بیان بکند و بگوید: ایها الناس، ما به شما اعلام می‌کنیم اگر نمازتان را قبول کردیم، بقیه را هر جوری باشد، قبول می‌کنیم. نه، اینجا دارد از اثر و نماز می‌گوید. می‌گوید آن نمازی که قبول شود، آن نمازی که اثر داشته باشد، آن نمازی که معراج مومن باشد،

باعث می شود تمام اعمال به بهترین وجه انجام شوند. یعنی صوم و حج و جهاد و زکات و ... وقتی به بهترین وجه واقع می شوند که نماز به بهترین وجه واقع شده باشد. چون نماز به تعبیر عرفا، سفر الی الله و فی الله و من الله است. نماز مشتمل بر همه اسفار سالک الی الله است. همه آنچه را که سالک الی الله در سیر خودش به آن نیازمند است، در نماز می تواند داشته باشد. واقعاً گاهی آدم این ها را که می خواند اصلاً خجالت می کشد از نمازخواندن خودش. نمازهای ما این گونه اند؟ واقعاً نمازهای ما، ما را بر براق سیر سوار می کند و حرکت می دهد؟ آنچه ما انجام می دهیم صرفاً صورت نماز دارد و از حقیقت و باطن نماز فاصله دارد.

نماز سرمایه سعادت عالم آخرت است و آنچه که به وسیله آن می توان در روزگار غیرممتناهی زندگی کرد، نماز است. این ها را که آدم می شنود می فهمد که چرا اهل بیت، ائمه معصومین (علیهم السلام) انقدر به نماز اشتیاق داشتند و وقتی به نماز می ایستادند، همه وجودشان متغیر می شد؛ چه رنگ رخساره، چه حرکات و سکناات. اینکه توحید واقعی در نماز تحقق پیدا می کند، این معلوم است چه نمازی می تواند نشان دهنده توحید واقعی باشد، مطلب درباره نماز فراوان است، اما آنچه لازم بود درباره حقیقت نماز گفته شود، مطرح شد.

در پایان این بخش، یک نکته را اشاره می کنم که این هم نکته ای لطیف و قابل استفاده است. من واقعاً توصیه می کنم این دو کتاب امام (رحمة الله علیه) درباره نماز را کنار دستتان باشند. نمی خواهد از اول تا آخر را یک دفعه بخوانید، یک صفحه از آن را هر شب مطالعه کنید) بعضی منحرفین گمان می کنند نماز برای وصال است. انسان که وصال پیدا کرد، دیگر نماز نمی خواهد بخواند، یک عده ای از منحرفین از این حرف ها می زنند. ایشان می گوید: اگر غیر از این اوضاع و احوال که برای حضرت مجذوب حقیقی و واصل واقعی، جناب رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله) در این مکاشفه روحانیه و معاشقه حبیبانه دست داد، حال دیگری دست دهد یا وضع دیگری حاصل آید، از تصرفات شیطان است و سالک را در سلوک، انانیت و خودی و خودیت بقایایی مانده و باید به علاج خود کوشد و طریق ضلالت را رها کند. پس آن نمازی که بعضی به عرفاً نسبت دهند که نماز سکوت گوید، بر فرض صحت نسبت، از جهل آن کسی است که این معجون بی معنا را درست کرده است. فی الجمله، کشفی اتم از کشف نبی ختمی (صلی الله علیه و آله) و سلوکی اصح و اصوب از آن نخواهد بود. پس ترکیبات بی حاصل دیگر را که از مغزهای بی خرد مدعیان ارشاد و عرفان است، باید رها کرد.

ممکن است کسی بگوید: من حالاتی برایم پیدا می شود. کشف و شهود دارم. یک مکاشفاتی برای من رخ می دهد به خاطر برخی ریاضت ها. ولی این تصرفات شیطان است. نه آن مکاشفه ای که باید برای انسان حاصل شود. فرق بین این دو را باید توجه کرد. به هر حال، حقیقت نماز را باید بشناسیم. این اولین حقی است که نماز به گردن ما دارد.

«الحمد لله رب العالمین»